

مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - تخصصی
سال دهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹

سرمقاله

امامت؛ فروغ بی پایان

محور بحث ما در این شماره فصلنامه، جمله کوتاه و در عین حال پر محتوا و قابل دقت از نهج البلاغه پیرامون تداوم امامت تا ظهور امام مهدی علیه السلام و اینکه امامت خورشیدی بی غروب در عالم هستی است. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«آگاه باشید! مثل اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله مثل ستارگان آسمان است، هرگاه ستاره‌ای از آن غروب کند، ستاره‌ای دیگر طلوع نماید - تا ظهور امام مهدی علیه السلام - گویا می بینیم در پرتو خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نعمت‌های خدا بر شما تمام شده و به آنچه آرزو دارید، رسیده‌اید»^۱.

شبیبه عبارات فوق، با مقداری تفاوت از وجود مقدس برخی از امامان علیهم السلام هم وارد شده است،^۲ آنچه اهمیت دارد درس‌هایی است که می توان از این فراز زیبا گرفت که ما ذیلاً به برخی از آنان اشاره می کنیم:

یک. امامت، مظهر نور آسمان‌ها و زمین

با شهادت هر یک از امامان بزرگوار علیهم السلام ستاره دیگری در آسمان امامت و ولایت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰: «الآن مثل آل محمد صلی الله علیه و آله كمثل نجوم السماء إذا خوى نجمٌ طلَعَ نجمٌ فكأنكم قد تكاملت من الله فيكم الصنائع و أراكم ما كنتم تأملون».

۲. به عنوان مثال روایتی در ذیل آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸) از امام رضا علیه السلام وارد شده که حضرت در جواب فرمودند: «هم الأئمة من آل محمد صلی الله علیه و آله أن يؤدى الامانة الى من بعده ولا يخص بها غيره ولا يزويها عنه - یعنی آنان پیشوایان از آل محمد صلی الله علیه و آله اند که هر کدام امانت را به امام بعدی وا می‌گذارد و جز او را (دارای شایستگی‌های) مخصوص این امر نداند و امانت را به دیگری نمی‌سپارند» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۶).

طلوع می‌کند تا روشنی بخش جهان هستی گردند؛ نور محفل بشریت از وجود انسان کامل به عنوان واسطه فیض در عالم است و این اراده حق تعالی است و اراده حضرت حق تبارک و تعالی، تخلف ناپذیر است. اگر گاهی اوقات در برخی روایات امام به خورشید تشبیه می‌شود،^۱ بدان خاطر است که انسان با محسوسات سرکار دارد و الا «کمک گرفتن بشر از خورشید و ماه در اداره زندگی روز مره و امور مختلف هرگز بدان معنا نیست که خورشید یا ماه در نور افشانی، انتشار انرژی و حرارت و ده‌ها برکت دیگر مستقل و بی‌نیاز از افاضه فیض الهی هستند، چون اندیشه توحیدی موحدان چنین باوری را بر نمی‌تابد، بلکه معتقدند آن‌ها نیز چون اشیا دیگر مخلوق خدای سبحان‌اند و از فیض او سرمست می‌شوند، اما بشر کارهای مختلفی را به دست آنان سامان می‌بخشد و ایشان ابزار کمک‌رسانی‌اند. وجود مبارک حجت خدا و امام زمان علیه السلام به مراتب والاتر و بالاتر از خورشید و ماه - و ستاره - است، اما امتیاز وجود مبارکش، آن است که او وسیله‌ای از مظهر «نور السموات و الارض»^۲ است^۳ و این نور هیچ‌گاه بی‌فروغ نخواهد شد.

دو. امامان، ستارگان نورانی از شجره طیبه نبوی

آنان سکاندار کشتی نجات بشریتند که فاصله گرفتن از آن سبب سقوط در گرداب شرک و کفر و نفاق و غرق شدن در ظلمات و تاریکی خواهد شد.^۴ همراهی با آنان سبب سلامت و سعادت در دنیا و آخرت و جدایی از آنان موجب گمراهی و ضلالت و سقوط به جحیم در آخرت خواهد شد.^۵ آنان در فهم احکام دین و موضوعات و مصالح و مفاصد از هرگونه خطا و نسیان و گناه مبرا و معصومند،^۶ چون در مساس با قرآن هستند و یکی از دو ثقل سفارش شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۲. نور: ۳۵.

۳. جوادی آملی، عبد الله، امام مهدی علیه السلام موجود موعود، ص ۸۰ (با تصرف).

۴. حدیث سفینه: «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من ترکها - من تخلف عنها - غرق».

۵. حدیث ثقلین: «... ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابداً و لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض».

۶. در کتب کلامی امامیه دلایل متعدد عقلی مثل امتناع تسلسل و نقلی مثل آیه شریفه ابتلاء و... اقامه شده است.

می‌باشند.^۱ شجره طیبه وجودشان بر گرفته از شجره طیبه نبوی است و این ستارگان نورانی، عترت پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشند که در وصف آنان علی عَلِيٌّ تعبیر زیبایی دارد: «عترت او بهترین عترت‌ها و خاندانش بهترین خاندانها و درخت وجودش از بهترین درختان است، در حرم امن خدا روییده و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد».^۲ اینان همان کسانی‌اند که در آیات نورانی قرآن از هر گونه رجس و پلیدی ظاهری و باطنی تطهیر شده‌اند.^۳

سه. امامت، نعمت الهی

برخی به آیه شریفه ﴿أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^۴ استدلال کردند؛^۵ علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: در این خطاب دو احتمال وجود دارد، احتمال اول، اینکه مخاطب مشرکین باشند که در این صورت نعمت ظاهری منظور است مثل گوش و چشم و بقیه اعضای بدن و... و مراد از نعمت‌های باطنی مثل شعور و اراده و عقل باشد؛ اما اگر احتمال دوم را در نظر بگیریم، خطاب به عموم انسان‌ها خواهد بود که در این صورت مراد از نعمت، نعمت‌های ظاهری - که ذکر شد - به اضافه دین خواهد بود، چون دین از نعمت‌های محسوسی است که امور دنیا و آخرت مردم را نظام می‌بخشد و مراد از نعمت‌های باطنی علاوه بر نعمت‌های مذکور، مقامات معنوی نیز به آن اضافه می‌شود.^۶ در حقیقت با این احتمال دوم، هرچه در جهت سعادت قرار گیرد مد نظر

۱. حدیث ثقلین: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی...»

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۴: «عترته خیر العتر، و أسرته خیر الأسر، و شجرته خیر الشجر، نبئت فی حرم، و بسقت فی کرم».

۳. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (أحزاب: ۳۳).

۴. لقمان: ۲۰.

۵. در تفسیر قمی به سند خود از جابر روایتی نقل می‌کند که منظور از نعمت ظاهری رسول خدا و معرفت و توحیدی است که آن جناب درباره خدای عزوجل آورده و اما نعمت باطنی ولایت ما اهل بیت و عقد مودت ما است... (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۵). در مجمع البیان در ذیل آیه روایتی از ضحاک از ابن عباس رسیده که گفت من از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدم، معنای این آیه چیست؟ حضرت رسول فرمودند: ای ابن عباس اما آنچه که ظاهر است اسلام است و آنچه که خدا آفریده و... اما آنچه باطن است این است که اعمال زشت را پوشانده و رسوایت نکرده و... (مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۰، نقل از:

المیزان، ج ۱۶، صص ۳۵۷ و ۱۳۵۸)

۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۷.

است و سعادت هم بدون ولایت امکان پذیر نیست؛ زیرا اگر در مسیر شقاوت باشد، در سیطره ولایت شیطان قرار می‌گیرد، در آن صورت نعمت به نعمت تبدیل خواهد شد، پس بدون وجود امام و تحقق ولایت الهیه، نعمت معنا نخواهد داشت. محمد بن زیاد ازدی می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره آیه فوق پرسیدم، حضرت فرمودند: «نعمت ظاهری امام ظاهر است و باطنی امام غایب، گفتیم: آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی هست که غایب شود؟ فرمود: آری، شخص او از دیدگان مردم پنهان می‌شود، اما یاد او از قلوب مؤمنان غایب نمی‌شود و او دوازدهمین ما امامان است...»^۱

نکته مهم این است که وظیفه ما در برابر این مشعل‌های فروزان هدایت بشری چیست؟ در منابع روایی ما وظایف زیادی را برشمرده‌اند که از حوصله بحث خارج است؛ به یک نمونه از آن اشاره می‌کنیم: امام صادق علیه السلام به ابن ابی‌یعفور فرمودند: «ما بر شما سه حق داریم؛ یکی اینکه به فضل ما معرفت پیدا کنید، دوم اینکه پیرو ما باشید و سوم اینکه منتظر فرج ما باشید»^۲. روشن است برآوردن چنین حقوقی بدون پشتوانه عنایات الهی ممکن و میسر نخواهد بود، هرگاه انسان رنگ و بوی خدایی گرفت، یعنی ولایت خداوند تبارک و تعالی و رسولش و اهل بیت علیهم السلام را پذیرفت و در برابر آنان سر تسلیم و رضا فرود آورد، می‌تواند ادعا کند تا حدی قدردان نعمت الهی بوده و گوشه‌ای از نعمت‌های بیکران او را سپاس گفته، چون ناسپاسی و قدرناشناسی مهمترین عامل محرومیت‌های بشر از نعم ظاهری و باطنی است.^۳ به ویژه در عصر غیبت که ما در آن قرار داریم، چه زیبا گفت محقق طوسی رحمته الله در وصف آن سفر کرده که صد قافله دل همزه اوست: «عدمه منا»^۴ پس به محضر حضرت حق (جل جلاله) عرضه می‌داریم: خدایا ما را قدردان همه این نعمت‌ها به ویژه نعمت ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام بفرما. آمین

سردبیر

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.
۲. ثلاثة لنا، ان تعرفوا فضلنا، و ان تظنوا عقبنا، و ان تنتظروا عاقبتنا... (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، باب حق المؤمن علی اخیه، ح ۹).
۳. ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم: ۷).
۴. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۸۲.